



دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکترا علی شریعتی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته بی زبان و ادبیات عرب

عنوان :

مقایسه ی تطبیقی جهان نگری فروغ فرخزاد و غاده السمان

استاد راهنما :

دکترا احمد رضا حیدریان شهری

استاد مشاور:

دکترا حسین ناظری

دانشجو :

ام البنین حبی زاده

تابستان ۱۳۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تعهد نامه

اینجانب ام‌البنین دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عربی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد نویسنده پایان نامه «مقایسه تطبیقی جهان نگری فروغ فرخزاد و غاده السمان» تحت راهنمایی آقای دکتر احمدرضا حیدریان شهری متعهد می‌شوم:

- * تحقیقات در این پایان نامه توسط اینجانب انجام شده است و از صحت و اصالت برخوردار است.
- * در استفاده از نتایج پژوهشهای محققان دیگر به مرجع مورد استفاده استناد شده است.
- * مطالب مندرج در پایان نامه تا کنون توسط خود یا فرد دیگری برای دریافت هیچ نوع مدرک با امتیازی در هیچ جا ارائه نشده است.
- * کلیه حقوق معنوی این اثر متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد و مقالات مستخرج با نام «دانشگاه فردوسی مشهد» و یا «Ferdowsi University of Mashhad» به چاپ خواهد رسید.
- * حقوق معنوی تمام افرادی که در به دست آمدن نتایج اصلی پایان نامه تأثیرگذار بوده‌اند در مقالات مستخرج از رساله رعایت شده است.
- * در کلیه مراحل انجام این پایان نامه، در مواردی که از موجود زنده (با بافتهای آنها) استفاده شده است ضوابط و اصول اخلاقی رعایت شده است.
- * در کلیه مراحل انجام این پایان نامه، در مواردی که به حوزه اطلاعات شخصی افراد دسترسی یافته یا استفاده شده است، اصل رازداری، ضوابط و اصول اخلاق انسانی رعایت شده است.

تاریخ

امضای دانشجو

مالکیت نتایج و حق نشر

- * کلیه حقوق معنوی این اثر و محصولات آن (مقالات مستخرج، کتاب، برنامه‌های رایانه‌ای، نرم افزارها و تجهیزات ساخته شده) متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد. این مطلب باید به نحو مقتضی در تولیدات علمی مربوطه ذکر شود.
- * استفاده از اطلاعات و نتایج موجود در پایان نامه بدون ذکر مرجع مجاز نمی‌باشد.

* متن این صفحه نیز باید در ابتدای نسخه‌های تکثیر شده وجود داشته باشد



صور تجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

جلسه دفاع از پایان نامه خانم ام البنین حجوی زاده دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عربی در ساعت ۸ روز چهارشنبه مورخ ۹۱/۴/۷ در محل دانشکده ادبیات و علوم انسانی با حضور امضا کنندگان ذیل تشکیل گردید. پس از بررسی های لازم، هیأت داوران پایان نامه نامبرده را با نمره به عدد به حروف و با درجه عالی مورد تأیید قرار داد / نداد.

عنوان رساله

«مقایسه تطبیقی جهان نگری فروغ فرخزاد و غاده السمان»

امضا

هیئت داوران

- استاد راهنما: دکتر احمد رضا حیدری شهری
استادیار گروه عربی دانشگاه فردوسی مشهد.
- استاد مشاور: دکتر حسین ناظری
استادیار گروه عربی دانشگاه فردوسی مشهد.
- داور: دکتر سید حسین سیدی
استاد گروه عربی دانشگاه فردوسی مشهد.
- داور و نماینده تحصیلات تکمیلی: دکتر کلثوم صدیقی
استادیار گروه عربی دانشگاه فردوسی مشهد.
- مدیر گروه: دکتر حسین ناظری
- استادیار گروه عربی دانشگاه فردوسی مشهد.

تقدیم به مادرم :

به پاس همدلی و همراهی اش

او که با سجده ی ایثارش گل محبت را در وجودم پروراند و دامن گهر بارش ، لحظه های مهربانی را

به من آموخت .

تقدیر و تشکر

« من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق »

سپاس خدایی را که سخنوران در ستودن او بمانند و شمارندگان ، شمردن نعمت های او ندانند و کوشندگان حق او را گزاردن نتوانند.

از آنجایی که تجلیل از معلم سپاس از انسانی است که هدف و غایت آفرینش را تأمین می کند و سلامت امانت هایی را که به دستش سپرده اند ، تضمین . بر حسب وظیفه و از باب « من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق » بر خود لازم دانسته و از استاد فرهیخته و فرزانه ، جناب آقای دکتر احمد رضا حیدریان شهری که در کمال سعه ی صدر ، با حسن خلق و فروتنی ، از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ نمودند و زحمت راهنمایی این پایان نامه را به عهده گرفتند و از استاد صبور و با تقوا جناب آقای دکتر حسین ناظری که زحمت مشاوره را تقبل کردند، کمال تشکر و قدردانی را دارم .

از خانواده ی محترم و همکار گرامی جناب آقای ساقی که مرا در این پژوهش به نوعی مساعدت و یاری نمودند کمال سپاس و تشکر را دارم .

و در پایان خواهانم که کاستی ها و نواقصی را که مسلما کم و زیاد وجود دارد، از این جانب پذیرا باشید و مرا از راهنمایی های پویایتان بی بهره نگذارید.

بسمه تعالی

مشخصات پایان نامه تحصیلی دانشجویان



عنوان پایان نامه: مقایسه ی تطبیقی جهان نگری فروغ فرخزاد و غاده السمان.

نام نویسنده: ام البتین حجی زاده

نام استاد(ان) راهنما: دکتر احمد رضا حیدریان شهری

نام استاد(ان) مشاور: دکتر حسین ناظری

رشته تحصیلی: ادبیات عرب	گروه: زبان و ادبیات عربی	دانشکده: ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی
تاریخ دفاع: ۹۱/۴/۷	تاریخ تصویب:	
تعداد صفحات:	دکتری <input type="radio"/>	کارشناسی ارشد <input type="radio"/>

چکیده پایان نامه: غاده السمان شاعر سوری عصر معاصر است که زن، عشق، تبعیض و تعصب ستیزی از بن مایه های اصلی اکثر اشعارش می باشد. در جهان او را بیشتر بعنوان نویسنده می شناسند، و به خاطر وجوه مشترکی که با فروغ دارد او را « فروغ شعر کشورهای عربی » نامیده اند. فروغ شاعر ایرانی ست که از اجتماع و عشق و ...با زبانی ساده و روان سخن رانده است و با اشعارش، فریاد اعتراض خود را بر ضد عوامل انحطاط جامعه آشکارا بیان کرد. در این نگارش، نگارنده، زندگینامه و اشعار دوبانوی شاعر را مورد بررسی قرار داده و تشابه و اختلاف در مضامین را بر می شمرد و به این نتیجه می رسد که چگونه دو شاعر در دو برهه ی زمانی نزدیک بهم تا این اندازه می توانند از مشابهت برخوردار باشند و از دریچه احساس و عاطفه ی این دو زن، جهان و مسائل موجود در آن را بنگرد، و به اندیشه ای نو و بدیع در تطبیق میان ادبیات فارسی و عربی دست یابد.

امضای استاد راهنما:	کلید واژه: غاده السمان فروغ فرخزاد ادبیات تطبیقی
تاریخ:	

محل مهر و امضاء :

معاون پژوهشی دانشکده



Blank rounded rectangular box for stamp or signature.

Blank rounded rectangular box for stamp or signature.

فهرست

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۱۱
باب اول : فروغ کیست ؟.....	۱۶
۱-۱ فصل اول : زندگی و آثار فروغ.....	۱۷
۱-۲ فصل دوم : درون مایه های اشعار فروغ.....	۲۵
۱-۲-۱ زن.....	۲۶
۱-۲-۲ عشق.....	۳۳
۱-۲-۳ مرگ اندیشی در اشعار فروغ.....	۴۹
۱-۲-۴ خانواده.....	۵۸
۱-۲-۵ جامعه.....	۶۲
۱-۲-۶ حسرت.....	۶۳
۱-۲-۷ اعتراض به زندگی اشرافی.....	۶۶
۱-۲-۸ عصیان و سنت شکنی.....	۶۷
باب دوم : غاده السمان کیست ؟.....	۷۱
۱-۲ فصل اول : زن در ادبیات عرب.....	۷۲
۱-۲-۲ فصل دوم : زندگی و آثار غاده السمان.....	۷۶
۱-۲-۳ فصل سوم : درون مایه های اشعار غاده السمان.....	۸۱
۱-۲-۳-۱ ازن.....	۸۶
۱-۲-۳-۲ عشق.....	۹۲
۱-۲-۳-۳ مسائل سیاسی.....	۱۰۳
۱-۲-۳-۴ وطن و جنگ.....	۱۰۶
۱-۲-۳-۵ غربت.....	۱۱۳
۱-۲-۳-۶ سنت شکنی.....	۱۱۵

۱۲۱	باب سوم : بررسی تطبیقی اشعار فروغ فرخزاد و غاده السمان.....
۱۲۲	۱-۳ فصل اول : ادبیات تطبیقی چیست ؟
۱۲۲	۱-۱-۳ تعریف و توضیح ادبیات تطبیقی
۱۲۳	۲-۱-۳ خاستگاه و تاریخچه ی ادبیات تطبیقی
۱۲۴	۳-۱-۳ اهمیت ادبیات تطبیقی
۱۲۴	۴-۱-۳ ویژگی ها و مبانی ادبیات تطبیقی
۱۲۵	۵-۱-۳ لزوم و اهمیت بررسی تطبیقی میان غاده و فروغ
۱۲۶	۲-۳ فصل دوم : نقاط اشتراک و اختلاف اشعار غاده السمان و فروغ فرخزاد
۱۲۶	۱-۲-۳ نقاط اشتراک
۱۲۷	۱-۱-۲-۳ عشق
۱۳۸	۲-۱-۲-۳ زن
۱۴۶	۳-۱-۲-۳ آزادی
۱۴۷	۴-۱-۲-۳ جامعه
۱۵۳	۵-۱-۲-۳ تنهایی
۱۵۴	۲-۲-۳ نقاط اختلاف
۱۵۴	۱-۲-۲-۳ وطن و جنگ
۱۵۶	۲-۲-۲-۳ غربت
۱۵۶	۳-۲-۲-۳ شعر
۱۵۷	۴-۲-۲-۳ شهادت
۱۵۹	۵-۲-۲-۳ عشق نوجوانی
۱۶۰	۶-۲-۲-۳ عشق مادرانه
۱۶۱	۷-۲-۲-۳ حسرت
۱۶۳	۸-۲-۲-۳ مرگ
۱۶۴	۹-۲-۲-۳ خدا
۱۶۶	نتیجه گیری
۱۶۷	کتابنامه (منابع و مأخذ)

مقدمه

زن ایرانی پیوسته در فضای سنتی زندگی می کرده و زیستن او همواره لبریز از حد و مرزهای بسیار بوده است. در این فضای سنتی، سامان دادن امور درون خانه از وظایف او شمرده شده و این، مانع از آن می شده است که پا را از حصار خانه بیرون گذارد و دوشادوش مرد در بیرون از خانه به تلاش و کوشش بپردازد. زنان در چنین جامعه ای کمتر مجال فعالیت ادبی داشته و ناگزیر استعداد و هنر خود را بصورت پنهانی عرضه می کردند.

جامعه ی سنت گرای ایران، عموماً هرگونه تشخیص مستقل از مردان را برای زن برنمی تابیده و زن را نه بعنوان یک چهره ی انسانی، بلکه همچون موجودی مطیع که باید در یک سری استانداردهای مشخص جای گیرد، مطرح می کردند. ارزش هایی همچون مطیع بودن، ناتوانی، مصلحت اندیشی، تقید، تعبد و اختلافی شخصیت حقیقی و نظایر آن در جامعه تبلیغ می شده است.

در زمینه ی ادبی زنانی چون، رابعه دخترکعب، مهستی گنجوی تا پروین اعتصامی عرصه های ادب و شعر را درنوردیده و حضوری ارزشمند در پهنه ی ادبیات ایران داشته اند، اما اینان یا چون پروین شعر مردانه و خشن گفته اند و یا چون مهستی و... بخاطر روابط اجتماعی خاصی که بر جامعه و سرزمین ما حاکم بوده است کمتر فرصت و امکان عرضه ی هنر و آثار خویش را می یافته اند و آن را بصورت پنهانی عرضه می کردند.

حیات اجتماعی و ادبی زن ایرانی با نهضت مشروطه آغاز می شود. در این عصرهمزمان با تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تحولات چشمگیری در موقعیت و عملکرد زنان ایرانی پدید آمد و آنان را از چارچوب خانه به عرصه ی فعالیت های اجتماعی، اقتصادی و علی الخصوص ادبی وارد کرد.

تأثیرگذارترین و مطرح ترین شاعر زن ایرانی در دوره ی معاصر فروغ است. پیش از فروغ بانوان شاعر می کوشیدند که صدای زندانی را آزادکنند اما فروغ بود که قفل خاموشی را پس از قرن ها گشود و با گستاخی و جسارت تمام پرده ها را کنار زد، و صدای او ، صدای قرون و اعصار گردید ؛ صدای مادرش ، مادر بزرگش و همه ی زن هایی که در طول تاریخ بیصدا آمده اند و خاموش رخت بر بسته اند. وی به قیامی جان می بخشد که پیش از این در پستوها و دالانها در هم شکسته بود ، پرده ها را کنار می زند و نظام پوسیده را رسوا می کند. شعر فروغ روایت زندگی درونی و بیرونی اوست ، مجموعه اشعار او «اسیر» ، «دیوار» ، «عصیان» و.. در حقیقت ، رمان بلند زندگی او از کودکی تا مرگ است . وی در شعرش زندگی می کرد و زندگی او از هنرش جدا نبود.

سخن از زن ، سابقه ای طولانی در ادبیات عرب دارد و می توان رگه هایی از آن را در نخستین اشعار به جا مانده در ادبیات در مملکت سبغ مشاهده نمود . زن همواره مورد تغزل شاعران قرار می گرفته است و از دیرباز بعنوان یکی از اصلی ترین موضوعات وصف در ادب ، مطرح بوده است .

در ادبیات عرب نویسندگان و شاعران زیادی به دشمنی و تنفر از زن شناخته شده اند که از آن جمله می توان المعری ، عقاد ، و توفیق حکیم را نام برد .

کشورهای عربی متأثر از نظام قبیلگی ، پدر سالار هستند و اساس قوانین حقوقی و مدنی ایشان بر این مبنا قرار می گیرد. در طول تاریخ گرچه زنان از ایفای نقش های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ناتوان نبوده اند و علی رغم همه ی مصائب و موانع ، زندگی و تاریخ خود را ساخته اند ، اما کمتر دیده شده اند و بیشتر در حاشیه مانده اند و نقش های خود را در سایه ی مردانشان به ثبت رسانده اند . این تلقی از زن و انعکاس آن در ادبیات تا قرن ها ادامه داشته است ، تا اینکه در دوران مدرن با تحولاتی که در جوامع غربی رخ داده ، شاهد رشد اجتماعی ، فرهنگی و ... زنان بوده ایم .

از کسانی که در دفاع از حقوق و آزادی زنان قلم زدند، می توان از قاسم امین، نزار قبانی و... نام برد، البته زنانی همچون هدی شعراوی، می زیاده و ملک حنفی ناصف پایه پای مردان در اشاعه ی آزادی زنان سهم عمده ای داشتند.

نزار قبانی از جمله کسانی است که از زبان زنان رنج دیده و محروم عرب سخن رانده است.

زنانی که بر دفترهای شعرنزار در حرکتند، عربند و دردها و غمها و گرفتاریها و فریادهایشان نیز غم و گرفتاری و اندوه و فریاد زنان عربی است. اودر آثارش واقعیت زندگی را در رفتار با زن نقل می کند. مردانی را می بینیم که زنان را مانند عمارت یا قالی یا کیسه ی آرد در تملک دارند و یا زنانی که ورود به این معامله ی زشت را به راحتی می پذیرند.

بسیاری از نویسندگان و شاعران عرب در آثار خویش، تلاش دارند تا زن را از میان چنگ و دندان خلیفه ها و رجال قبایل آزاد سازند، در واقع آنان درگیر جنگی تمام عیار برای آزادی اجتماعی زن هستند.

غاده السمان متعلق به جهان عرب است با تمامی ویژگی های تمدنی و فرهنگی و پیشینه ی تاریخی اش، وی از جمله کسانی است که برای آزادی و احقاق حقوق از دست رفته ی زنان قلم فرسایی می کند. وی معتقد است که همه از زن و مرد گرفته وظیفه ی متحول کردن وضع زن و آزادی او را دارند. چرا که زن جاهل با مرد جاهل برابر، و زن دانا با مرد دانا برابر است. شعر او مانند شعر فروغ روشن و ساده است، او احساسات و عواطفش را صریح و شفاف به تصویر می کشد، به ارزش های انسانی احترام می گذارد و مانند فروغ در برابر بایدها و نبایدهایی که ناعادلانه تصویب شده اند طغیان می کند.

غاده السمان را به خاطر نقاط مشترکی که با فروغ دارد، فروغ عرب نامیده اند. این دو بانوی شاعر از معدود زنانی هستند که توانسته اند با صدای خود، اعلان موجودیت کنند و هویت خود را به عنوان یک زن در جامعه ی مرد سالار آشکارا اعلام کنند.

ادبیات تطبیقی نوعی دادوستد فرهنگی است و تحقیق در ادبیات تطبیقی به چند موضوع کمک می کند : یکی به کشف روابط فرهنگی بین ملت ها ، دیگر به درک آن قسمت از تحولات ادبی که مربوط به این روابط است . از این رو این رشته از دانش در برقراری دوستی و صلح بین ملل موثر است . با بررسی تطبیقی و یافتن وجوه تشابه و اختلاف میان فروغ و غاده السمان ، می توان به بینش و اندیشه ی انسان ها در شرایط و دوران خاص و متفاوت به روح دو ملت عرب و ایرانی دست یافت و هم بستگی میان بشر را رقم زد .

پژوهش حاضر از سه باب و هر باب از دو فصل تشکیل یافته است. با توجه به عنوان تحقیق « مقایسه تطبیقی جهان نگری فروغ فرخزاد و غاده السمان » ، باب نخست به بررسی زندگی و آثار فروغ و بیان اندیشه ها و مضامین اشعار او می پردازد . باب دوم از جستار حاضر بیان زندگی و آثار و بن مایه های اشعار غاده السمان را بر عهده دارد و باب سوم نیز به بررسی ادبیات تطبیقی و وجوه تشابه و اختلاف در بن مایه های اشعار میان دو بانوی ارجمند اختصاص یافته است . این باب از دو فصل تشکیل یافته ، فصل اول ، مختص ادبیات تطبیقی است و فصل دوم به مقایسه تطبیقی آثار فروغ و غاده و بیان جنبه های تشابه در مواردی مثل : عشق ، زن ، تنهایی و... و ذکر موارد اختلاف در مضامینی چون : وطن ، غربت ، جنگ ، عشق مادرانه و ... می پردازد . پایان بخش این تحقیق ، بخش نتیجه گیری است که در این قسمت به جنبه های تشابه میان دو بانوی شاعر در رویکرد ادبیات تطبیقی پرداخته است. در انتها بر خود لازم می دانم از

زحمات بیدریغ اساتید گرانقدر، آقایان دکتر احمد رضا حیدریان شهری و دکتر حسین ناظری نهایت تشکر
و قدر دانی را داشته باشم .

ام البنین حجی زاده

مشهد مقدس

باب اول :

فروغ کیست؟

۱-۱- زندگی و آثار فروغ

فروغ در پاسخ به سوالی از زندگیش ، اینگونه پاسخ می دهد:

« والله حرف زدن در این مورد به نظر من یک کار خیلی خسته کننده و بی فایده ای است ، خوب

این یک واقعیتی است که هر آدمی که به دنیا می آید ، بالاخره یک تاریخ تولدی دارد، اهل شهر یا دهی است ،توی مدرسه ای درس خوانده ، یک مشت اتفاقات خیلی معمولی و قراردادی توی زندگیش اتفاق افتاده که بالاخره برای همه می افتد ، مثل توی حوض افتادن دوره بچگی ، یا مثلاً تقلب کردن دوره مدرسه ، عاشق شدن دوره جوانی ، عروسی کردن ، از این جور چیزها دیگر ...» (حیدری ، ۱۳۷۷:۱۳)

فروغ در دیماه سال ۱۳۱۳ خورشیدی در خیابان امیریۀ ی تهران به دنیا آمد ،تحصیلات خود را تا سال سوم متوسطه ادامه داد و پس از آن به هنرستان بانوان رفت. پدرش ،سرهنگ محمد فرخزاد نظامی بودو شغل او، رنگی از خشونت و حاکمیت مطلق به او بخشیده بود،او مردی ادیب وشعردوست بود. اوبه رغم خشونت در گفتار ورفتار به ادبیات قدیم فارسی علاقه ای وافر داشت واین علاقه تا حد زیادی به دخترش فروغ نیز انتقال یافت .پوران فرخزاد می گوید:«پدرم شخصیتی دوگانه واسرار آمیز داشت ،چهره اش همیشه از یک خشونت مردانه پر بود. او یک سرباز واقعی با یک چهره ی قراردادی ، یا بهتر بگویم با یک ماسک فراردهنده و همیشه همین طور بود.پدرم جز مطالعه هیچ سرگرمی نداشت ، او عاشق شعر بود.پدر همه عمر به دنبال تحقیق بود،تمام خانه را به کتابخانه تبدیل کرده بود». (عسگری ،۱۳۷۸:۲۱)

مادر او زنی بود خانه دار و بر خلاف پدر بسیار مهربان . او زنی خوش باور بود. « مادر یک زن به تمام معنی بود، زنی ساده دل، کودک وار و خوش باور .زنی که قدرت شناخت بدیها را نداشت و همه

دنیا و آدمهایش را در قالب خوبی و خوب می دید ، زنی آویخته به تمام سنتها و قراردادها». (جلالی

، ۱۳۷۶: ۱۱)

فروغ برادرانی به نامهای امیر مسعود ، مهرداد ، مهران و فریدون داشت و خواهرانی به نامهای پوران و گلوریا.

کودکی فروغ در دنیای قصه ها گذشت ، او در کودکی عاشق قصه بود. پدر بزرگ فروغ قصه های زیبا می دانست و فروغ او را یک لحظه آرام نمی گذاشت ، فروغ آرامش را در دوران کودکی جستجو می کند و حتی لباسهای کودکی او را به وجد می آورد.

فروغ می گوید: « برای من هنوز هم که دوران کودکی و حتی جوانی (از نظر روحی) را پشت سر گذاشته ام و از بسیاری از احساساتی که دیگران معتقد بودند، عامل بروزش تنها کودکی و نپختگی است ، تهی شده ام، خیلی چیزها وجود دارد که با وجود جنبه ی خنده آور ظاهرش مرا به شدت تکان می دهد. هنوز که هنوز است وقتی اوائل پاییز هر سال مادرم لباسهای زمستانی بچه ها را از صندوقها بیرون می آورد تا به قول معروف آفتاب بدهد، دیدن لباسهای کودکیم که مادرم به حفظ آنها علاقه دارد، جستجو در جیب های آنها و پیدا کردن نخودچی یا کشمش گندیده ای که غالباً در ته جیبها وجود دارد در من حالت عجیبی ایجاد می کند...». (همان : ۱۲)

«فروغ بسیار پر حرکت و شیطان و بی آرام بود، در مدرسه هم که بود با بچه ها نمی جوشید، اغلب بچه ها با او بد بودند و می زدندش و او در مقابل فریاد می کشید. فضول بود و همه جا را باز می کرد ، حتی توی کاغذها و کتابهای بابا سرک می کشید فروغ یک چهره ی دیگر هم داشت ، فروغ غم زده ، بهانه گیر، لجوج و حساسی که با کمترین بهانه ، ساعتها با صدای بلند گریه می کرد». (م. آزاد، ۱۳۷۶: ۳)

در سال ۱۳۲۹ با پرویز شاپور ازدواج کرد که به جدایی کشیده شد. حاصل این ازدواج یک فرزند به نام کامیار بود. پوران فرخزاد می گوید: «فروغ و شاپور از دو دنیا بودند. فروغ پر احساس، نا آرام و دیوانه بود و پرویز منطقی، حسابگر و مردی عادی بود». (عسگری، ۱۳۷۸: ۲۲)

بعد از جدایی فروغ از شاپور، به او اجازه دیدن فرزند را نیز ندادند. در واقع از وقتی که شعر گفت حق مادر بودن را نیز از او گرفتند. برادر فروغ، فریدون می گوید: «فروغ از همان زمان که شروع به شعر گفتن کرد بدون حق شد، حق دیدن فرزند را از او گرفتند، حق تنها زندگی کردن و اصولاً زندگی کردن را از او گرفتند. او چندین بار به بهانه های مختلف به مدرسه ی پسرش رفته بود، تا او را ببیند و به او گفته بود که مرا مادر تو فرستاده و می دانی که مادرت ترا بسیار دوست دارد، فقط همین و بعد از آن روزها و هفته ها از منزل بیرون نمی آمد و گریه می کرد». (جعفری، ۱۳۷۸: ۷۸۵)

«فروغ فرخزاد به قول خودش «زنی تنها» بود. وقتی از همسرش جدا شد، تنها تر شد، شعر را همدم زندگی هنری خود ساخت، فیلم سازی و بازی در فیلم را هم بر آن افزود و در این راه نیز به موفقیت هایی دست یافت». (باحقی، ۱۳۷۵: ۱۳۴)

فروغ از ابراهیم گلستان بسیار تأثیر پذیرفته است. بعد از آشنایی با او ست که از لاک بدبینی و یأس خویش بیرون می آید و به فعالیت های مختلف نظیر سینما، تئاتر و... می پردازد. با کمک او برای یادگیری اصول سناریونویسی به اروپا می رود. اوست که موجب می شود فروغ عاصی، مشوش و مضطرب به فروغی آرام، متفکر و اندیشمند تبدیل شود. فروغ در دفترهای اسیر، دیوار و عصیان بی پرده حرف می زند و علیه همه چیز و همه کس (علیه خدا و خود و سرنوشت خویش) می شورد. اما فروغ تولدی دیگر و آغاز فصل سرد براستی پوست می اندازد و دوباره از دل تاریک یأس ها و رنج ها متولد می شود و رشد می

کند و نمونه یک زن تجربه اندوخته می شود و این تحول شدید در اثر آشنایی با گلستان و طرز فکر او بوده است.

بعد از ظهر روز دوشنبه ۲۴ بهمن ماه سال ۱۳۴۵ که اتومبیلش به ستونی برخورد کرد و طومار زندگی وی را در سی و دو سالگی به هم پیچید تازه ساعت چهار بار نواخته بود. (همان: ۱۲۹)

در مراسم خاکسپاری او بسیاری از شاعران و هنرمندان، از جمله: سهراب سپهری، احمد شاملو، ابراهیم گلستان، مهدی اخوان ثالث، رضا براهنی و هوشنگ ابتهاج و... حضور داشتند.

آثار فروغ

دوره ی شاعری فروغ را بر اساس موضوع و محتوای اشعارش، می توان به دو مرحله تقسیم کرد: دوره ی قبل از سرودن تولدی دیگر و دوره ی پس از تولدی دیگر.

شهرت فروغ در مرحله ی اول شعریش، بیشتر از جنبه ی سنت شکنی است. مشکلاتی که زندگی خانوادگی اش برای او پیش آورد او را به سوی شکستن سنت ها و قید و بندها سوق داد. «ابتدا مایه ی اصلی زندگی و شعر برای او عشق است، اما این عشق که تمام زندگی واقعی و هنری او را در خود گرفته است، برای او حاصلی به بار نمی آورد جز ناکامی و شکست. این داغ شکست همه جا بر پیشانی او نقش بسته است و او را به طغیان در برابر همه چیز می کشاند». (زرین کوب، ۱۳۵۸: ۱۹۸)

اولین دفتر فروغ اسیر است که در واقع سنبل حالت روانی است که شخص خود را گرفتار دنیایی از سنتها و تعصبات می یابد که امیدی برای زندگی کامل در آن نیست. او در این مجموعه حالات و روحيات خود را بیان می کند و گستاخانه و بی پروا بدون توجه به سنتها و ارزش های اجتماعی، احساسات زنانه را که در واقع تجربه ی زندگی اوست توصیف می کند.